

سخن سردبیر

رمضان علی تبار*

درباره ماهیت و رویکرد دین اسلام، قرائت‌های گوناگونی وجود دارد که امروزه دو قرائت انحرافی؛ یعنی قرائت «اسلام رحمانی» و نظریه «دین قدرت» مورد توجه برخی لیبرالیست‌ها و مدعیان روشنفکری دینی قرار گرفته است. دو قرائت یادشده، نماینده دو طیف فکری افراط و تفریط درباره ماهیت دین اسلام است که به‌گونه‌ای در مقابل قرائت «اسلام ناب محمدی» که از سوی حضرت امام^ع به‌کار رفته بود، قرار دارد. نقطه اشتراک یا مخرج مشترک هر دو قرائت، جریان لیبرالیستی است. به عبارت دیگر هر دو انگاره، کلیدواژه‌ای نشئت گرفته از لیبرالیسم است؛ زیرا هر دو رویکرد، اولاً، مواجهه‌گزینی با اسلام و محتوای آن دارند؛ ثانیاً، با تفسیر به‌رأی و «تحریف محتوای اسلام» و با حفظ و تمرکز برخی ظواهر دین و باطن و حقیقت آن را تغییر داده و مسخ می‌کنند؛ بنابراین هر دو انگاره، (اسلام رحمانی و دین قدرت)، تلفیقی از اسلام و لیبرالیسم و از مصادیق آیه «تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَ يَرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۵۰) و نمونه‌های «اسلام التقاطی» قلمداد می‌شوند. هر دو قرائت، بر اساس مبانی و زیرساخت‌هایی همچون تساهل و تسامح، پلورالیسم، سکولاریسم، اومانیزم و قانون‌گرایی لیبرال شکل گرفت؛ با این

* استاد گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سردبیر فصلنامه کتاب نقد
(r.alitabar@chmail.ir).

تفاوت که قرائت «اسلام رحمانی»، از دین، صرفاً به وجه ظاهری «رحمت»، «رحمانیت»، «عشق»، «محبت» و امثال آن توجه کرده و دیگر ابعاد دین را نادیده می‌گیرد. طرفداران این رویکرد، سعی می‌کنند تفسیر دین را با حقوق بشر، دموکراسی غربی و ارزش‌های جهان لیبرال و دنیای مدرن، همسو و همخوان کنند، اما در مقابل، با پیش‌فرض و مبانی لیبرالیستی، به سراغ دین می‌رود و اتفاقاً با تمرکز بر داده‌های خاص دینی نظیر جهاد، جنگ، حدود و تعزیرات و نظایر آن، دین اسلام به‌ویژه قرآن کریم را قدرت‌گرا، خشونت‌محور و استبدادی معرفی می‌کند.

مسئله «نسبت و مناسبات دین و قدرت» یکی از مسائل دین‌پژوهی به‌ویژه جامعه‌شناسی دین است. نظریه‌های مختلفی در این زمینه مطرح است که از جمله می‌توان به نظریه «دین، قدرت است» (نقش قدرت در دین و دینداری و رشد دین) از دکتر عبدالکریم سروش اشاره کرد. سروش در نشست‌های که ششم دی‌ماه ۱۳۹۹ در کالیفرنیا برگزار شد، به توضیح درباره نسبت «دین و قدرت» پرداخت و نکاتی در رابطه با قرآن کریم، سیره پیامبر ﷺ و سنت اسلامی اظهار کرد که واکنش‌هایی را به دنبال داشته است. ایشان در نظریه «دین و قدرت»، رشد دین را در سایه قدرت و دیگر معارف بشری امکان‌پذیر می‌داند و بر پایه آن، قرآن را کتاب بیم و ترس نام نهاده که حاصل تجربه پیامبر اسلام ﷺ بوده و معتقد است جنبه‌های ترسناک آن بیشتر از جنبه‌های رحمانی است. به‌باور او دین یک قدرت است که با تعامل با دیگر قدرت‌ها به تثبیت خود می‌پردازد.

به‌باور سروش قدرت دینی بر دو پایه ایمان حاصل از عشق‌ورزی و ترس از انحراف شکل گرفته است و در دین اسلام جنبه ترس بر جنبه عشق غلبه دارد. او معتقد است پیامبر اسلام ﷺ آگاهانه از قدرت و اقتدار برای حفظ اسلام و سرزمین‌های اسلامی استفاده می‌کرد و این ویژگی اقتدارگرایی پیامبر مورد تأیید قرآن است. به‌گفته سروش روحیه اقتدارگرایی در پیامبر از همان ابتدای اسلام و حضور در مکه وجود داشت و مشرکان را

تهدید به مرگ می‌کرد. بر اساس نظریه دین و قدرت، محمد ﷺ عارف مسلح و مؤسس جنبش دینی مسلحانه بود؛ البته استفاده از قدرت و خشونت مؤسسانه فقط منحصر در پیامبر اسلام ﷺ است و دیگران حق تبعیت از این روش را ندارند.

۹

نظریه دین و قدرت با انتقادات بسیاری از سوی جریان‌های گوناگون فکری مواجه شد. استفاده از واژه‌های مدرن برای توصیف پدیده‌های قدیم، یک بُعدی دیدن دین، تفسیر نادرست آیات و عدم جامع‌نگری به مباحث قرآنی، استناد به سست‌ترین روایات و برخورد دوگانه با روایات، ضعف پژوهش‌های تاریخی و عدم توجه به سیره پیامبر اسلام ﷺ از نقدهایی است که به نظریه دین و قدرت وارد شده است. برخی نقدها به صورت تک‌نگاری و یادداشت یا مقاله پژوهشی در نشریات معتبر منتشر شده است و برخی موارد، در قالب مناظره (مجازی یا مکتوب) یا گفت‌وگو و مصاحبه در رسانه‌های مختلف و فضای مجازی انتشار یافته است.

همان‌گونه که اشاره شد، در مقابل انگاره فوق، برخی به منظور نشان دادن وجه رحمانیت اسلام، خواستند از اسلام دفاع کنند، اما خواسته یا ناخواسته در دام قرائت لیبرالیستی و اومانستی افتادند و قرائت «اسلام رحمانی» را طرح کردند. «اسلام رحمانی»، عبارتی است که در ابتدا می‌تواند ناظر به نشان دادن یکی از ابعاد دین و اسلام؛ یعنی لطف و رحمانیت و محبت، در ذهن انسان تداعی شود، ولی پشت صحنه طرح آن و موارد استعمال آن با رویکردی خاص نشان از مفهوم و منظور دیگری دارد.

این شماره از فصلنامه کتاب نقد، به بررسی و نقد نظریه «دین، قدرت است» و قرائت «اسلام رحمانی» اختصاص یافت.



کتاب
نقد